

## نقش مولفه های برنامه ی درسی برگرایش به خلاقیت دانشجویان مرکزهای آموزش عالی علمی-کاربردی کشاورزی البرز

فیض الله منوری فرد<sup>۱</sup>، سید حمید موحد محمدی<sup>۲</sup>، احمد رضوانفر<sup>۳</sup>

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران  
۲ و ۳ به ترتیب: دانشیار و استادگروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

### چکیده

هدف کلی این پژوهش، واکاوی تاثیر مولفه های برنامه درسی برگرایش به خلاقیت دانشجویان مرکزهای آموزش عالی علمی-کاربردی کشاورزی استان البرز بود. جامعه آماری تحقیق ۲۰۰۴ تن از دانشجویان مرکزهای مزبور بود که ۱۷۸ تن از آنان، با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای با اختصاص متناسب در دو مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره) و جوانشیر به عنوان نمونه گزینش شدند. داده های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS<sub>Win20</sub> مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته های تحلیل همبستگی نشان دادند که بین مولفه های روش تدریس، محتوای آموزشی، فراگیر، آموزشگر و ارزشیابی با گرایش به خلاقیت دانشجویان، رابطه ی مثبت و معنی داری در سطح یک درصد وجود دارد. بین مولفه ی محیط فیزیکی و گرایش به خلاقیت دانشجویان، رابطه ی منفی و معنی داری در سطح یک درصد وجود داشت. یافته های به دست آمده از تحلیل رگرسیون نشان دادند که مولفه های محتوای آموزشی، ارزشیابی، یادگیرنده، محیط فیزیکی و روش تدریس به ترتیب در پنج گام وارد معادله رگرسیون شدند و در مجموع ۴۹/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته گرایش به خلاقیت دانشجویان را تبیین نمودند.

**کلید واژه ها:** مولفه های برنامه درسی، روحیه کارآفرینی، گرایش به خلاقیت، آموزش کشاورزی، روش تدریس کشاورزی

نویسنده ی مسئول: فیض الله منوری فرد  
رایانامه: monavvarifard@ut.ac.ir  
دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۱؛ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۴

## مقدمه

بی‌کاری دانش‌آموختگان یکی از چالش‌های دیرینه و کنونی کشورهای گوناگون به ویژه جامعه‌های در حال توسعه و توسعه نیافته است (اولادیان و همکاران، ۱۳۸۹). بحران بی‌کاری در جامعه‌های در حال توسعه ریشه دوانده و دولت‌ها قادر به برطرف کردن نیازهای فن‌آورانه‌ی جامعه‌های خود نیستند، چراکه بیشتر خروجی‌های دانشگاه‌ها با نیازهای بازار کار هم‌آهنگی و هم‌خوانی لازم را ندارد. این در حالی است که یکی از هدف‌های نظام آموزش عالی آماده کردن دانشجویان برای ایفای نقش مؤثر در زندگی کاری است.

از این رو، دانشجویان پس از دانش‌آموختگی میان شغل‌های دولتی و خصوصی در جستجوی کار هستند و کمتر به کارآفرینی‌گریایش دارند (کوثری و نوروز زاده، ۱۳۸۸). با این وجود، برنامه‌ی درسی به عنوان یکی از ستون‌های علوم تربیتی، نقش بی‌مانندی در عملکردهای تربیتی داشته است و حتی پارا از قلمرو رسمی بودن فراتر گذاشته، فرایندهای غیر رسمی را نیز در برگرفته است (اسکندری، ۱۳۸۷).

برنامه‌ی درسی نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ی ای در تحقق هدف‌ها و رسالت‌های آموزش عالی از نظر کمی و کیفی دارد. در واقع، برنامه‌ی درسی به عنوان قلب هر مرکز دانشگاهی در توفیق یا شکست آن نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ی ای دارد (لانبرگ و اورنشتین، ۲۰۰۴). بر این پایه، برنامه‌ی درسی نشان‌دهنده میزان پیشرفت و پاسخگو بودن دانشگاه‌ها به نیازهای در حال تغییر و دگرگونی جامعه است (فاطی و اجارگاه و شافعی، ۲۰۰۷).

پژوهش‌ها گویای آن است که آموزش بر روحیه کارآفرینی دانشجویان اثرگذار است (هیتون و زهرا، ۲۰۰۲؛ موریسون، ۲۰۰۰). آموزش برخی از جنبه‌های کارآفرینی را با تجهیز افراد به توانایی‌ها و ایجاد نگرش برای درگیر شدن در کسب و کار تحت تاثیر قرار می‌دهد (آلتینای، ۲۰۰۸). آموزش با مجهز کردن افراد به دانش و تجربه برای رویا رویی با موقعیت‌های مختلف ممکن است باعث تحریک یا بازدارندگی روحیه کارآفرینی شود (کروگر و کارسروود، ۱۹۹۳).

کروگر و کارسروود (۱۹۹۳)، بیان می‌کنند که آموزش

مردم در زمینه واقعیت‌های کارآفرینی ممکن است موجب افزایش روحیه کارآفرینی و اعتماد به نفس آنان شود. اما، به طور هم‌زمان مطلوبیت درک شده از آغاز به یک کسب و کار را کاهش می‌دهد.

معنی و مفهوم رایج کارآفرینی در قالب گسترده‌ی آن که به انگاره‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های فردی بر می‌گردد، منجر به بروز نوآوری و رفتار خلاق در فرد می‌شود (شریف زاده و زمانی، ۱۳۸۵). بنا بر این، روحیه‌ی کارآفرینی ناحیه‌ای آگاهانه از ذهن است که توجه فردی، تجربه‌ها و رفتارها را به سوی رفتار کارآفرینی هدایت می‌کند (ابسچونکا، ۲۰۱۰). اما، کدام ویژگی‌ها، روحیه‌ی کارآفرینی را پیش‌بینی می‌کنند؟ پاسخ اولیه به این پرسش توسط رهیافت ویژگی‌ها ارائه شد، یا به عبارتی روحیه‌ی کارآفرینی تنها به شخصیت فرد نسبت داده شد (بام، ۲۰۰۴).

در این رابطه، عامل‌هایی هم‌چون خودکارآمدی، خطرپذیری، خلاقیت، گرایش و خوش‌بینی مشخص شدند (فراسر و گرین، ۲۰۰۶؛ راج و فرس، ۲۰۰۷). با این حال، زمینه‌های بسیاری در تقابل و انتقاد با این رویکر مطرح شدند (میشل، ۲۰۰۲). پدیده کارآفرینی در زمینه‌های مختلف و در تعامل نزدیک با افراد دیگر و محیط رخ می‌دهد (منوری فرد و همکاران، ۱۳۹۲)، و روحیه‌ی کارآفرینی تنها بر پایه شخصیت فرد تا حدودی برداشت کاهش‌گرایانه است.

اما به طور کلی، بیشتر پژوهش‌ها (آلتینای، ۲۰۰۸؛ هانتر، ۲۰۰۴؛ کروگر و کارسروود، ۱۹۹۳) بر ویژگی‌های شخصیتی و به ویژه، خلاقیت کارآفرینان توجه کرده‌اند. خلاقیت از جمله مفهوم‌هایی است که توجه به آن در پدیده بزرگی هم‌چون کارآفرینی اهمیت داشته و به همین دلیل پژوهش‌های زیادی در این باره انجام شده است که هر یک به گونه‌ای در بهره‌جستن و آشکار سازی گرایش به خلاقیت سعی کرده‌اند. هر چند که این پژوهش‌ها نقش آموزش بر خلاقیت را مورد تاکید قرار داده‌اند (زامپتاکیس، ۲۰۰۸؛ گورل، ۲۰۱۰؛ آلتینای، ۲۰۱۲؛ شان و کولین، ۲۰۰۳)؛ اما پژوهشی که به طور آشکار به بررسی نقش مولفه‌های برنامه‌ی درسی بر گرایش به خلاقیت دانشجویان در زمینه ایجاد روحیه کارآفرینی بپردازد، انجام نشده است. لذا، هنوز نقش این مولفه‌ها در گرایش به خلاقیت دانشجویان به عنوان یکی از پایه‌های بسیار

یادگیری فراگیران است. به عبارت دیگر، روش ارزشیابی از آموخته ها از یک سو، ابزار یا عامل مهمی در تعیین ثمربخشی یا تاثیر فعالیت های انجام شده و شناسایی نتایج، برای بهبود بخشیدن به فرایند یادگیری و از سوی دیگر، برای فراگیران یک تجربه یادگیری شمرده شود (عارفی، ۱۳۸۴).

روش ارزشیابی با روش یادگیری دانشجویان مرتبط است؛ چراکه به طور معمول با تغییر روش های ارزشیابی، روش های یادگیری دانشجویان نیز تغییر کرده و به پیروی از آن، نوع یادگیری دانشجویان نیز تغییر خواهد کرد. به طور مثال، استفاده از ارزشیابی های باز و تاکید بر انجام پروژه ها منجر به تقویت ادراک و یادگیری های مستقل و عمیق تر دانشجویان می شود (همان).

محتوای آموزشی، دانشجویان را از راه فرایندهای یادگیری در کلاس درگیر می کند که به توسعه دانش و مهارت هایی منجر خواهد شد تا دانشجویان بتوانند در رشته تخصصی شان دیدگاه هایی را مطرح کنند و ارتباط آن ها را با کاربرد در محیط های کاری بیابند، برای به کار بردن دیدگاه ها و آموخته هایشان در جهان واقعی راهکار ارائه دهند و در محیط کاری، رقابت کنند (برون، ۱۹۹۹).

پژوهش هایی در ارتباط با روحیه ی کارآفرینی مدلی را ارائه کرده اند که در آن ویژگی های شخصیتی مثبتی که بر روحیه ی کارآفرینی اثرگذار هستند در ارتباط با خلاقیت بوده و خود خلاقیت رابطه مثبتی با نوآوری در سازمان دارد. علاوه بر این، این دو مولفه، با پویایی محیط تحت تاثیر قرار می گیرند که خود پویایی محیط تحت تاثیر مدیریت سازمان است (بارون و تانگ، ۲۰۱۱).

باس و همکاران (۲۰۰۸)، در یک فرا واکاوی مشخص کردند که عامل های مثبتی که بر افزایش خلاقیت اثرگذارند، تحت تاثیر محیط به عنوان یک متغیر میانجی قرار می گیرند به طوری که یک محیط پویا موجب افزایش خلاقیت افراد خواهد شد؛ به شرط آنکه این محیط پویا، همراه با سطوح بالایی از انگیزش باشد. این امر گویای آن است که ارتباط مثبتی بین محیط و خلاقیت وجود دارد. در توضیح این مهم، ایشان بیان می کنند که خلاقیت در محیط هایی که سطوح بالایی از انگیزش را می طلبد در مقایسه با محیط های با سطوح پایین، بالاتر خواهد بود.

مهم در ایجاد روحیه کارآفرینی به صورت یک موضوع نادر باقی مانده است.

صاحب نظران، خلاقیت را دانشی بنیادی برای هرگونه تغییر و نوآوری می دانند. به تعبیر ریهارم و برولین (۱۹۹۹)، خلق دیدگاه های نو و تولیدهای ابتکاری، از ویژگی های شناختی انسان ها است. با چنین نگاهی خلاقیت عاملی مهم در شتاب بخشیدن به نوآوری های علمی و فناورانه بشر تعبیر شده است. بررسی ها نیز نشان می دهند که مرکز ثقل حرکت های نوین در آینده، خلاقیت و میزان بهره گیری از ذهن ها و شخصیت های خلاق در حوزه های مختلف علمی، پژوهشی، فناورانه و بهداشتی است (نادری و همکاران، ۱۳۹۱).

توانایی ها، انگیزه ها و روش های یادگیری در افراد متفاوت هستند و در یادگیری بهینه و مناسب، سبک یادگیری ویژه هر فراگیر مد نظر قرار می گیرد. لذا، آموزشگران می توانند با ایجاد جو مناسب و شرایط لازم، خلاقیت فراگیران را توسعه بخشند و یا با رفتارهای نادرست، اعتماد به نفس آنان را از بین برده و بازدارنده ی رشد خلاقیت آن ها شوند (حسینی، ۱۳۸۶). آموزشگران با رفتارهایی مانند پرسیدن پرسش های باز پاسخ، داشتن سعه صدر در برابر ابهام و تحمل آن، ارائه رفتار تفکر خلاق، تشویق فراگیرانی که پاسخ های غیر منتظره می دهند، خلاقیت فراگیران را رشد می دهند (جینگو، ۲۰۰۳). این آموزشگران کلاس هایی فراگیر محور دارند. وجود چنین کلاس هایی همراه با آموزشگران آسانگرا کیفیت آموزش را افزایش می دهند و افراد را برای تفکر تحریک می کنند. آنان با آموزش به فراگیران و تقویت روحیه شان در پذیرش باورها و اندیشه های نو و مؤثر و هم چنین، تشویق فراگیران به استفاده از خود ارزیابی منظم و توضیح مفهوم ها برای دیگر هم کلاسی های خود، یادگیری از راه یادگیری را مهم جلوه می دهند و باعث رشد تفکر خلاق فراگیران می شوند (دونز-لمباردی، ۱۹۹۶).

پژوهش ها در این زمینه نشان داده است که رابطه معنی داری بین مولفه های آموزشگر و روش تدریس با خلاقیت دانشجویان وجود دارد (همز و ناش، ۱۹۹۶؛ جینگو، ۲۰۰۳).

ارزشیابی، بخش مهمی از فرایند آموزش و تجربه

با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی ( $KMO = 0.724$ )، پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفا کرونباخ نیز برای ۷ مولفه برنامه درسی استفاده شد ( $\alpha = 0.76 - 0.88$ ).

به منظور سنجش ارزیابی دانشجویان از میزان توجه به مولفه های برنامه درسی در مرکزهای آموزشی مورد بررسی، با توجه به پیشین نگاشته ها و نظر متخصصان، ۴۹ گویه در قالب طیف لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) تدوین شد که در آن امتیاز صفر برای گزینه خیلی کم و امتیاز چهار برای گزینه خیلی زیاد در نظر گرفته شد. در گام بعد، از پاسخگویان خواسته شد که نظر خود را در زمینه ی میزان توجه مسولان به هر یک از موارد مندرج در پرسشنامه با گزینش یکی از گزینه های پیشنهادی، بیان کنند. بر این پایه، برای میزان توجه به هر یک از مولفه های برنامه درسی امتیازی به دست می آمد که این امتیاز پایه ای برای تجزیه و تحلیل های بعدی قرار گرفت (جدول ۱).

به منظور سنجش میزان گرایش به خلاقیت دانشجویان، ۱۲ گویه در قالب طیف لیکرت از بسیار مخالف تا بسیار موافق به کار گرفته شد. این گویه ها برگرفته از بخشی از آزمون استاندارد جامع کارآفرینی است که در ارتباط با گرایش به خلاقیت می باشد. بر پایه پرسشنامه مذکور، هر پاسخگو امتیازی بین صفر تا ۴۸ کسب می کرد که مبنای میزان گرایش به خلاقیت وی قرار گرفت. با توجه به امتیاز کسب شده و انحراف معیار به دست آمده از این قسمت، نظر دانشجویان در مورد گرایش به خلاقیت، در سه طبقه پایین، متوسط و بالا دسته بندی شد. روش مورد استفاده در این قسمت در زیر نشان داده شده است (گانگهارا، ۲۰۰۷).

$$A < mean - \frac{1}{2}sd \text{ : پایین}$$

$$B \text{ mean} - \frac{1}{2}sd < B < mean + \frac{1}{2}sd \text{ : متوسط}$$

$$C > mean + \frac{1}{2}sd \text{ : بالا}$$

#### یافته ها

بنابر نتایج به دست آمده از آمار توصیفی، میانگین سنی

هامز و نش (۱۹۹۶)، در پژوهشی با عنوان ایجاد و تقویت یک محیط یادگیری به منظور ارتقای تفکر خلاق و مهارت حل مساله، بیان می کنند که روش تدریس به نوبه خود می تواند خلاقیت فراگیران را رشد دهد.

دونز-لمباردی (۱۹۹۶)، بیان می کند که آموزشگران در پذیرش باورها و اندیشه های نو و مؤثر از سوی یادگیرندگان، هم چنین، تشویق فراگیران به استفاده از خود ارزیابی منظم و توضیح مفهوم ها برای دیگر هم کلاسی های خود، یادگیری از راه یادگیری را مهم جلوه می دهند و باعث رشد تفکر خلاق فراگیران می شوند.

گالوی و همکاران (۲۰۰۵)، در پژوهش خود با عنوان مهارت های سازمانی و اقتصادی، دریافتند که آموزش های کارآفرینی بر افزایش مهارت های دانشجویان در خلاقیت، توانایی، اعتماد به نفس و مهارت های ارتباطی و مدیریتی تاثیر معنی داری دارد.

زانگ و بارتال (۲۰۱۰)، نشان دادند که شیوه های مختلف رهبری و مدیریت امکان دارد در رشد خلاقیت به شکل اثرگذاری نقش داشته باشند.

پژوهش های انجام شده مؤید وجود رابطه معنی دار بین مولفه های برنامه درسی و خلاقیت می باشد. اما، پژوهشی که به بررسی نقش مولفه های برنامه درسی بر گرایش به خلاقیت پرداخته باشد، انجام نشده است. لذا، این پژوهش در تلاش است تا به بررسی نقش این مولفه ها در گرایش به خلاقیت دانشجویان بپردازد.

#### روش شناسی

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع پژوهش های کمی، از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ روش گردآوری داده ها میدانی و از لحاظ آماری تحلیلی-ارتباطی است. جامعه ی آماری پژوهش را ۲۰۰۴ تن از دانشجویان مرکزهای علمی-کاربردی آموزش عالی کشاورزی در استان البرز تشکیل دادند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و در نظر گرفتن انحراف معیار نمره کل گرایش به خلاقیت، ۱۷۸ تن تعیین و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای با اختصاص متناسب انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه ای محقق ساخته بود که روایی شکلی و محتوایی آن، توسط گروهی از متخصصان و روایی سازه،

و تجهیزات رایانه ای و تهیه وسایل و امکانات آموزشی؛ و از بین گویه های تبیین کننده ی مدیریت: تعامل هیأت علمی با همدیگر و با دانشجویان و توجه به محدودیت حضور هیات علمی در دانشگاه، بیشترین توجه را در مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی کشاورزی به خود معطوف کرده اند.

از میان گویه های مولفه ی روش تدریس: تحقیق محوری در تدریس و استفاده از روش های تدریس هماهنگ با انگیزه فراگیران؛ از میان مولفه ی محتوای آموزشی: تناسب محتوای آموزشی با توانایی های علمی و مهارتی دانشجویان و توجه به محتوایی که در راستای ایجاد خلاقیت در دانشجویان باشد؛ از میان گویه های مولفه ی آموزشگر: تاکید بر به روز بودن آموزشگر از نظر علمی و توجه به توان و مهارت علمی استادان در زمینه موضوع درسی؛ از میان گویه های مولفه ی ارزشیابی: توجه به ارزیابی تفکر خلاق؛ از میان گویه های محیط فیزیکی: توجه به شرایط محیطی کلاس درس؛ و از میان گویه های مولفه مدیریت: تعامل مناسب کارکنان با دانشجویان، کمترین توجه را در مرکزهای علمی-کاربردی کشاورزی به خود جلب کرده اند. جدول ۱ رتبه بندی مولفه های تبیین کننده برنامه درسی را به همراه گویه های مربوط به هر مولفه نشان می دهد.

دانشجویان ۲۶/۲۱ سال با انحراف معیار ۷/۱۱ سال بود. مسن ترین دانشجو ۵۵ سال و جوان ترین دانشجو ۲۰ ساله بود. از نظر جنس ۴۹/۴ درصد از پاسخگویان، پسر و ۵۰/۶ درصد دختر بودند. نزدیک به ۱۶ درصد دارای پیشینه کسب و کار در خانواده بودند. از نظر محل سکونت، ۱۱/۲ درصد ساکن در روستا و ۸۸/۸ درصد در شهر سکونت داشتند. نزدیک به ۱۲ درصد از پاسخگویان در مقطع کاردانی و ۸۷/۷ درصد در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. به لحاظ تأهل، ۶۵/۲ درصد مجرد و ۳۴/۸ متأهل بودند.

یافته ها گویای آن است که در بین گویه های تبیین کننده ی مولفه ی روش تدریس به ترتیب: بازدیدهای علمی، انجام فعالیت های عملی پیرامون کسب و کار، و استفاده از روش های نوین تدریس به جای روش های سنتی؛ در بین گویه های تبیین کننده ی مولفه ی محتوای آموزشی: توجه به مطالب کاربردی و عملی، توجه به هماهنگی و سازگاری محتوای آموزشی با پیشرفت های علمی و فناوریانه؛ در بین گویه های تبیین کننده ی مولفه ی آموزشگر: دانش مدرسان در زمینه موضوع درس و آشنایی آنان با منبع های علمی و متنوع کشاورزی؛ در بین گویه های تبیین کننده ی مولفه ی ارزشیابی: ارزشیابی پایانی، ارزشیابی کمی و ارزشیابی مستمر؛ در بین گویه های تبیین کننده ی محیط فیزیکی: در دسترس بودن اینترنت

**جدول ۱- رتبه بندی شاخص های تبیین کننده مولفه برنامه درسی بر پایه میزان توجه در مراکز آموزش عالی علمی-کاربردی کشاورزی البرز**

رتبه	CV	انحراف معیار	میانگین رتبه ای	گویه	مولفه
۱	۰/۳۱	۰/۹۳	۲/۹۳	توجه به بازدیدهای علمی	روش تدریس
۱	۰/۳۱	۰/۹۲	۲/۹۱	توجه به انجام فعالیت های عملی پیرامون کسب و کار	
۱	۰/۳۱	۰/۸۴	۲/۷	توجه به استفاده از روش های نوین تدریس به جای روش های سنتی	
۲	۰/۳۲	۱	۳/۰۸	توجه به گذراندن دوره های کارآموزی مرتبط با رشته تحصیلی	
۲	۰/۳۲	۰/۹۳	۲/۸۸	توجه به تلفیق اصول دانش علمی و عملی	
۳	۰/۳۳	۰/۸۷	۲/۶۴	توجه به تجربه در محیط های یادگیری واقعی	
۴	۰/۳۴	۱/۰۱	۲/۹۴	توجه به استفاده از روش های خلاق و حل مسئله	
۵	۰/۳۵	۰/۹۹	۲/۸	توجه به مشارکت دادن دانشجویان در بحث های درسی	
۵	۰/۳۵	۱	۲/۸۸	توجه به ایجاد ارتباط دائمی و برنامه ریزی شده دانشجویان و کارآفرینان	
۶	۰/۳۷	۱/۰۱	۲/۷	توجه به استفاده خلاقانه از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)	
۶	۰/۳۷	۰/۹۵	۲/۵۱	توجه به ارائه اطلاعات از راه های مختلف و متنوع	
۷	۰/۳۸	۱/۱۵	۳/۰۲	توجه به استفاده از روش های تدریس متناسب با گرایش دانشجویان	
۸	۰/۴۶	۱/۰۸	۲/۳۳	توجه به تحقیق محوری در تدریس	

## ادامه جدول ۱

۱	۰/۳۱	۰/۸۷	۲/۷۸	توجه به مطالب کاربردی و عملی	محتوای آموزشی
۲	۰/۳۳	۰/۹۷	۲/۸۹	توجه به هماهنگی و سازگاری محتوای آموزشی با پیشرفت های علمی و فناوری	
۲	۰/۳۳	۰/۹۶	۲/۸۵	توجه به تدوین کتب مناسب در زمینه کارآفرینی	
۲	۰/۳۳	۰/۸۹	۲/۶۷	توجه به گذراندن واحد درسی کارآفرینی در مراکزهای علمی-کاربردی	
۳	۰/۳۴	۰/۹۱	۲/۶۷	توجه به همخوانی محتوای آموزشی با گرایش دانشجویان	
۴	۰/۳۵	۱/۰۲	۲/۹۱	توجه به آشنا نمودن دانشجویان با چگونگی راه اندازی و مدیریت کسب و کار کوچک	
۵	۰/۳۸	۱/۱۰	۲/۸۹	توجه به برگزاری دوره های تخصصی کارآفرینی متناسب با رشته تحصیلی	
۶	۰/۳۹	۱/۱۵	۲/۹۳	توجه به متناسب بودن محتوای آموزشی با شغل و نیازهای بازار کار	
۶	۰/۳۹	۱/۰۳	۲/۶۰	توجه به محتوای آموزشی که در جهت ایجاد خلاقیت و نوآوری در دانشجویان باشد	
۷	۰/۴۶	۱/۰۸	۲/۳۴	توجه به تناسب محتوا با توانایی های علمی و مهارتی دانشجویان	
۱	۰/۳۰	۰/۸۴	۲/۷۵	توجه به دانش استادان در زمینه موضوع درسی	آموزشگر
۲	۰/۳۱	۰/۹۰	۲/۹۱	توجه به آشنایی استادان با مراجع و منابع علمی و متنوع کشاورزی	
۳	۰/۳۴	۱	۲/۹۲	تاکید بر سخت گیری استادان در نمره دهی	
۴	۰/۳۷	۱/۰۲	۲/۷۵	تاکید بر در دسترس بودن استادان برای اخذ راهنمایی و مشاوره	
۵	۰/۳۸	۱/۰۳	۲/۶۶	توجه به توان و مهارت عملی استادان در زمینه موضوع درسی	
۷	۰/۶	۱/۱۹	۱/۹۶	تاکید بر به روز بودن استادان از نظر علمی	
۱	۰/۴۰	۱/۰۳	۲/۵۵	توجه به ارزشیابی پایانی	ارزشیابی
۲	۰/۴۱	۱/۰۶	۲/۵۳	توجه به ارزیابی کمی از دانشجو	
۳	۰/۴۳	۰/۹۸	۲/۲۶	توجه به ارزیابی مستمر	
۴	۰/۴۶	۱/۰۹	۲/۳۵	توجه به ارزیابی تحلیل شکست	
۵	۰/۴۷	۱/۱۷	۲/۴۶	توجه به ارزیابی کیفی از دانشجو	
۶	۰/۴۹	۱/۰۶	۲/۱۵	تاکید بر بازخورد	
۷	۰/۵۳	۱/۰۶	۱/۹۸	توجه به خودارزیابی دانشجویان	
۹	۰/۶۳	۱/۰۴	۱/۶۴	توجه به ارزیابی تفکر خلاق	
۱	۰/۳۲	۰/۹۵	۲/۹۲	توجه به در دسترس بودن اینترنت و تجهیزات رایانه ای	محیط فیزیکی
۱	۰/۳۵	۱/۰۲	۲/۹۱	توجه به تهیه وسایل و امکانات آموزشی	
۲	۰/۳۵	۰/۹۹	۲/۷۹	توجه به ایجاد فضای آموزشی کافی و مناسب در مراکزهای علمی-کاربردی	
۳	۰/۳۹	۱	۲/۷۶	توجه به تجهیزات آزمایشگاه ها و کارگاه های آموزشی	
۴	۰/۴۲	۱/۱۹	۲/۷۹	توجه به امکان دسترسی به فناوری و دانش روز جهان	
۵	۰/۴۵	۱/۱۶	۲/۵۷	توجه به شرایط محیطی کلاس های درس	
۱	۰/۴۸	۱/۱۲	۲/۳۰	تعامل استادان با همدیگر و با دانشجویان	مدیریت
۲	۰/۵۴	۱/۲۴	۲/۲۸	توجه به محدودیت حضور استادان در دانشگاه	
۳	۰/۵۸	۱/۳۸	۲/۳۴	توجه به نظر دانشجویان از سوی مدیریت دانشگاه	
۴	۰/۶۱	۱/۳۹	۲/۲۷	توجه به محدودیت بودجه تعیین شده برای پژوهش	
۵	۰/۶۴	۱/۱۷	۱/۸۱	توجه به نظر دانشجویان در اصلاح آیین نامه های مربوط به آنان	
۶	۰/۶۶	۱/۳۱	۲/۰۲	تعامل مناسب کارکنان با دانشجویان	

مقیاس: خیلی کم = ۰، کم = ۱، متوسط = ۲، زیاد = ۳، خیلی زیاد = ۴

میانگین رتبه ای ۸۶/۸۷ (از ۴۲۰۴) پیشی گرفته است ( $U=2547$ ;  $P=0/05$ ).  
به منظور تعیین میزان گرایش به خلاقیت دانشجویان، بر پایه نمره کسب شده و انحراف معیار به دست آمده از متغیر وابسته (گرایش به خلاقیت)، دانشجویان در سه

برای مقایسه گرایش به خلاقیت دانشجویان در دو مرکز آموزشی مورد بررسی، از آماره من ویتنی بهره گرفته شد. نتیجه این آزمون نشان داد که دانشجویان مرکز جوانشیر با میانگین رتبه ای در حد ۹۷/۷۷ (از ۱۱۷۲۷) از مرکز امام خمینی با

روش گام به گام استفاده شد و معادله رگرسیون معنی دار بود ( $F=28/125$ ;  $P=0/000$ ;  $R=68/90$ ). نتایج به دست آمده نشان دادند که چهار عامل محتوای آموزشی، ارزشیابی، یادگیرنده و روش تدریس در چهار گام به ترتیب وارد معادله رگرسیون شدند و در مجموع  $49/1$  درصد از واریانس گرایش به خلاقیت دانشجویان را تبیین می کنند (جدول ۴).

**جدول ۴- خلاصه رگرسیون مؤلفه های برنامه درسی و گرایش به خلاقیت**

متغیر	B	Beta	T
ضریب ثابت b0	6/095	-----	2/693
محتوای آموزشی $X_1$	0/347	0/407	4/417
ارزشیابی $X_2$	0/247	0/234	3/360
یادگیرنده $X_3$	0/363	0/296	3/281
روش تدریس $X_4$	0/116	0/114	2/183

بنابر یافته های به دست آمده از رگرسیون، می توان معادله رگرسیونی پژوهش را به صورت زیر بیان نمود:

$$Y = 6/095 + 0/347 x_1 + 0/247 x_2 + 0/363 x_3 + 0/116 x_4$$

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به نقش دانشگاه ها به عنوان اساسی ترین مرکزهای آموزش عالی در کشور و مؤلفه های برنامه درسی به عنوان قلب فعالیت این مراکزها در ایجاد گرایش به خلاقیت، ضرورت توجه به این مؤلفه ها اهمیت ویژه ای می یابد. بنابراین، این پژوهش در صدد واکاوی نقش هر یک از مؤلفه های برنامه درسی در ایجاد گرایش به خلاقیت در دانشجویان مرکزهای علمی-کاربردی کشاورزی بود.

نتایج به دست آمده نشان دادند که بین مؤلفه های روش تدریس، محتوای آموزشی، یادگیرنده، آموزشگر و ارزشیابی با گرایش به خلاقیت دانشجویان، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. این امر گویای آن است که با افزایش میزان توجه به هر یک از مؤلفه های یاد شده، میزان گرایش به خلاقیت در دانشجویان مرکزهای علمی-کاربردی کشاورزی البرز افزایش می یابد. بر این پایه، می توان بیان کرد که توجه به مواردی هم چون بازدیدهای علمی، انجام فعالیت های عملی پیرامون کسب و کار،

دسته طبقه بندی شدند. یافته ها (جدول ۲) نشان داد که  $28/10$  درصد از پاسخگویان از نظر گرایش به خلاقیت در حد پایین،  $46/60$  درصد در حد متوسط و  $25/30$  درصد در حد بالا بوده اند. بیشترین فراوانی از نظر گرایش به خلاقیت در بین دانشجویان، مربوط به حد متوسط بود.

**جدول ۲- توزیع فراوانی دانشجویان بر پایه سطح گرایش به خلاقیت**

میزان گرایش به خلاقیت	میانگین	فراوانی	درصد
پایین (کمتر از ۲۳)	20/06	50	28/10
متوسط (۲۳-۲۸)	25/66	83	46/60
بالا (بیشتر از ۲۸)	32/38	45	25/30
کل	26/03	178	100

نتایج به دست آمده از ضریب همبستگی نشان می دهند که بین مؤلفه های روش تدریس، محتوای آموزشی، یادگیرنده، آموزشگر و ارزشیابی با گرایش به خلاقیت دانشجویان، رابطه مثبت و معنی داری در سطح یک درصد خطا وجود دارد. تحلیلی که می توان بر این یافته داشت، آن است که با افزایش میزان توجه به هر یک از مؤلفه های یاد شده، میزان تمایل به خلاقیت در دانشجویان مرکزهای علمی-کاربردی کشاورزی افزایش می یابد. اما، بین توجه به مؤلفه ی محیط فیزیکی و گرایش به خلاقیت رابطه منفی و معنی داری وجود دارد (جدول ۳).

**جدول ۳- خلاصه همبستگی مؤلفه های برنامه درسی با خلاقیت دانشجویان علمی-کاربردی کشاورزی**

مؤلفه	r	P
روش تدریس	0/286	0/000
محتوا	0/536	0/000
محیط فیزیکی	-0/231	0/003
یادگیرنده	0/333	0/000
آموزشگر	0/302	0/001
ارزشیابی	0/282	0/000
مدیریت	0/144	0/074

برای بررسی نقش مؤلفه های برنامه درسی در گرایش به خلاقیت دانشجویان از تحلیل رگرسیون به

ممکن است ناشی از تفاوت های فردی دانشجویان، وجود مدرسان متفاوت، تفاوت در امکانات و محیط فیزیکی در دو مرکز باشد که در این زمینه نیاز به تحقیق است.

نکته قابل توجه دیگر، نبود رابطه معنی دار بین گرایش به خلاقیت دانشجویان با مولفه ی مدیریت (قانون و مقررات) بود. این یافته، نتایج پژوهش زانگ و بارتال (۲۰۱۰)، مبنی بر وجود رابطه معنی دار بین شیوه های مختلف رهبری و مدیریت با رشد خلاقیت را تایید نمی کند. بر پایه این دستاوردها پیشنهاد می شود:

برنامه ریزان و طراحان محتوای آموزشی این مرکزهای آموزش عالی علمی-کاربردی کشاورزی البرز مطلب هایی در محتوای آموزشی بگنجانند که گرایش به خلاقیت دانشجویان را پرورش و افزایش دهد.

برای تدریس از مدرسانی استفاده شود که دارای پیشینه کار عملی در زمینه کشاورزی بوده و یا کارآفرین بوده اند؛ زیرا افراد کارآفرین در مقایسه با غیر کارآفرینان، توان خلاقیت بالاتری دارند و در نتیجه، ممکن است استفاده از مدرسان کارآفرین، گرایش به خلاقیت دانشجویان را در راستای کارآفرینی با استفاده از روش های تدریس خلاق، افزایش دهد.

مدرسان در ارزشیابی دانشجویان از ارزشیابی تفکر خلاق استفاده کنند تا بدین ترتیب گرایش به خلاقیت در دانشجویان افزایش یافته و یادگیری دانشجویان آسان تر شود.

هماهنگ سازی محتوای آموزشی با پیشرفت های علمی، افزایش میزان تعامل هیات علمی با همدیگر و با دانشجویان، توجه به توان و مهارت عملی استادان در زمینه موضوع درسی و ارزیابی مستمر هیات علمی از عملکرد خود و دانشجویان زمینه های افزایش گرایش به خلاقیت در دانشجویان را به وجود می آورد.

این یافته ها، نتایج پژوهش های جینگو (۲۰۰۳)؛ دونز-لمباردی (۱۹۹۶)، هامز و نش (۱۹۹۶)، گرول (۲۰۱۰)، آلتینای و همکاران (۲۰۱۲)، و شان و کولین (۲۰۰۳)، مبنی بر وجود رابطه معنی دار بین مولفه های آموزشگر و روش تدریس با پرورش خلاقیت در دانشجویان را تایید می کند. یافته های به دست آمده از ضریب همبستگی نشان دهنده ی وجود رابطه منفی و معنی دار بین مولفه ی محیط فیزیکی و گرایش به خلاقیت دانشجویان بود.

بنابراین، اگر مرکزهای آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی بخواهند دانشجویانی خلاق و کارآفرین داشته باشند؛ دسترسی به این هدف جز در سایه توجه به یکایک مولفه های برنامه درسی و توسعه زیرساخت های لازم به ویژه محیط فیزیکی در این مراکزها، امکان پذیر نخواهد بود. موید این سخن وجود تفاوت معنی دار در بین دانشجویان دو مرکز آموزش عالی علمی-کاربردی امام خمینی (ره) و جوانشیر است. از آنجا که برنامه درسی تصویب شده در هر دو مرکز یکسان است، این تفاوت

## منبع ها

- اسکندری، ح (۱۳۸۷). برنامه درسی پنهان. تهران: انتشارات نشر سیما.
- اولادیان، م.، سیف نراقی، م.، نادری، ع. و شریعتمداری، ع (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانش آموختگان دانشگاه تهران و مدیران کارآفرینی شهر تهران به منظور فراهم کردن الگوی مناسب برنامه درسی دوره کارشناسی علوم تربیتی (مدیریت و برنامه ریزی آموزشی). فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۰۳-۸۱.
- حسینی، ا.ا. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت پیشرفت تحصیلی و خودپنداره دانش-آموزان. نوآوری های آموزشی، سال ششم، شماره ۲۳.
- شریف زاده، م. و زمانی، غ. ج (۱۳۸۵). روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی: مطالعه موردی دانشگاه شیراز. علوم کشاورزی ایران، جلد ۲-۳۷، شماره ۱، صص ۱۱۵-۱۰۷.
- عارفی، م. (۱۳۸۴). برنامه ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد دانشگاه شهید بهشتی.



کوثری، م. و نوروز زاده، ر (۱۳۸۸). تبیین ویژگی های عناصر چهارگانه برنامه درسی مقطع کارشناسی با تاکید بر پرورش مهارت های کارآفرینی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۴، صص ۱۸-۱.

منوری فرد، ف.، خسروی پور، ب.، کرانی، ز. و صالحی، ل (۱۳۹۲). تحلیل عاملی متغیرهای ایجاد روحیه ی کارآفرینی در کشاورزان کرمانشاه. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۲۵، صص ۲۵-۱۶.

نادری، ع.، تجلی نیا، ا.، شریعتمداری، ع. و سیف نراقی، م (۱۳۹۱). بررسی تأثیر اجرای برنامه «فلسفه برای کودکان» در پرورش خلاقیت دانش آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه منطقه ۱۴ تهران. تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، صص ۹۱-۱۱۷.

Altinay, L. (2008). The relationship between an entrepreneur's culture and the entrepreneurial behaviour of the firm. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 15(1), 111-120

Altinay, L., Madanoglu, M., Daniele, R., & Lashley, C. (2012). The influence of family tradition and psychological traits on entrepreneurial intention. *International Journal of Hospitality Management*, 31(2), 489-499.

Baron, R. A., & Tang, J. (2011). The role of entrepreneurs in firm-level innovation: Joint effects of positive affect, creativity, and environmental dynamism. *Journal of Business Venturing*, 26(1), 49-60.

Baum, J.R., & E.A. Locke. 2004. The relationship of entrepreneurial traits, skill, and motivation to subsequent venture growth. *Journal of Applied Psychology* 89: 587-98.

Brown, Bettina Lanyard (1999). *Entrepreneurship Success Stories: Implications for Teaching and Learning*; Available at: <http://www.eric.ed.gov>.

Downs-Lombardi, J. 1996. *Children Creativity Society Childs: A Mini-Workshop in Critical and Creative Thinking*. ERIC Resources, 400-726.

Fathi Vajargah., & K and Shafiea,N. (2007). Evaluation of Quality of University Curriculum (Adult Education). *Quarterly Journal of Curriculum Studies (QJCS)*, 2, 5: 1-27.

Fraser, S., & Greene, F.J., 2006. The effects of experience on entrepreneurial optimism and uncertainty. *Economica* 73, 169-192.

Galloway, L., Anderson, M., Brown, W., & Wilson, L. (2005). Enterprise Skills for the Economy, *Journal of Education and Training*, 47 (1), pp. 7-17.

Gangadharappa, H., Pramod, K., & Shiva, K. H. (2007). Gastric floating drug delivery systems: A review. *Indian Journal of Pharmaceutical Education and Research*, 41(4), 295-305.

Gurel, E., Altinay, L., & Daniele, R. (2010). Tourism students' entrepreneurial intentions. *Annals of Tourism Research* 37 (3), 646-669.

Hamz,K., & Nash,W.R. (1996). Creating and Fostering a Learning Environment That Promotes Creative Thinking and Problem Solving Skills. ERIC Resources. ed 406-445.

Hayton, J. C., Zahra, G. G., & Zahra, S. A. (2002). National culture and entrepreneurship: A review of behavioral research. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 26(4), 33-52.

Hunter, Son. (2004). "The cumulation natur of the entrepreneurial process: the contribution of human capital, lanning and enviroment resources to small venture performance", *Journal of Business Venturing*, (22). pp. 63-72.

Jingo,M.R. 2003. The Child Right to Creative Thought and Expression. *Childhood Education*,

79(4), 218.

Krueger, N. F., & Carsrud, A. L. (1993). Entrepreneurial intentions: Applying the theory of planned behavior. *Entrepreneurship and Regional Development*, 5, 315–330.

Lanenburg, F. C. & A. C Ornstein (2004); *Educational Administration, Concepts and Practices*; Wadsworth Publishing Complaining.

Mitchell, R.K., Busenitz, L., Lant, T., McDougall, P.P., Morse, E.A. & Smith, J (2002), “Toward a theory of entrepreneurial cognition: rethinking the people side of entrepreneurship research”, *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol: 27, PP. 93–104.

Morrison, A. (2000). Entrepreneurship: what triggers it? *International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research*, 6(2), 59–71.

Obschonka, M., Silbereisen, R. K., & Schmitt-Rodermund, E. (2010). Entrepreneurial intention as developmental outcome. *Journal of Vocational Behavior*, 77(1), 63-72.

Rauch, A., & Frese, M. 2007. Born to Be an Entrepreneur? Revisiting the Personality Approach to Entrepreneurship.

Ryhammar, L., & Brodin, C. (1999). Creativity research: historical considerations and main lines of development. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 43(3), 259-273.

Shan; S. E., & Collin, c. (2003). Entrepreneurial Motivation. *Human resource management Review* 13 (12) 257 – 279.

Zampetakis, L. A. (2008). The role of creativity and proactivity on perceived entrepreneurial desirability. *Thinking Skills and Creativity*, 3(2), 154-162.

Zhang, X., & Bartol, K. M. (2010). Linking empowering leadership and employee creativity: The influence of psychological empowerment, intrinsic motivation, and creative process engagement. *Academy of Management Journal*, 53(1), 107-128.

## **Impact of Curriculum Component on Students' Creativity Tendency in the Agricultural Scientific-Applied Higher Education Centers of Alborz Province, Iran**

**F. Monavarifard<sup>1</sup>, S. H. Movahed mohammadi<sup>2</sup>, A. rezvanfar<sup>3</sup>**

1- M.Sc. Graduate of Agricultural Education, College of Agriculture and Natural Resources, the University of Tehran, Iran.

2- Professor of Agriculture Extension & Education Department, University of Tehran, Iran.

3- Associate Professor of Agriculture Extension & Education Department, University of Tehran, Iran.

### **Abstract**

This study aims to investigate the impact of curriculum components on students' creativity tendency in Alborz Agricultural Scientific-Applied Higher Education Centers. Statistical population of this research was consisted of 2004 students; from that 178 students were selected as sample using stratified random sampling. Data was analyzed by SPSS software. Findings of correlation analysis indicated a positive statistically significant relationship between teaching methods, education contents, learner, educators, evaluation and student entrepreneurial creativity. Regulations component did not play an important role in Students entrepreneurial creativity. In contrast, findings revealed negative statistically significant relationship between physical environment and students' entrepreneurial creativity. Results from multiple regression analysis indicated that educational content, evaluation, learner, teaching methods and physical environment 49.1% of the variance of students' entrepreneurial creativity.

**Index Terms:** Curriculum components, entrepreneurial spirit, creativity tendency, agricultural education, agricultural teaching methods

**Corresponding Author:** F. Monavarifard

**Email:** monavvarifard@ut.ac.ir

**Received:** 11/1/2014 ; **Accepted:** 25/6/2014